

دعاهایی از قرآن

تدوین و گردآوری :
آیت الله العظمی
علامه سید ابو الفضل ابن الرضا
برقعی قمی
متولد: 1329 ه.ق مطابق با 1287 شمسی
متوفای: 1413 ه.ق مطابق با 1372 شمسی

چاپ مجدد اسفندماه 1381

«بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ:

الحمد لله الذي أذن لعباده الدعاء و جعل من
الوسائل إليه الإيمان و التوبة و البكاء
و الصلاة على محمد خاتم الأنبياء و على
آله و أتباعه الأتقياء

سپاس و ستایش ذات مقدّس پروردگار عظیم الشانی
را سزا است که با کمال بزرگی و بی نیازی و
عزّت، درهای لطف و مرحمت و مهربانی و عطوفت خود
را بر بندگان خود گشوده و کوچک و بزرگ و صالح
و طالح و مطیع و عاصی و مؤمن و کافر را اذن
عام و رخصت داده که هر ساعت و دقیقه از شب و
روز و گاه و بیگاه و خلوت او را بخوانند و با
خود او بدون واسطه مکالمه و خطاب نمایند.
در کتاب خود سورة المؤمن آیه 60 فرموده:

چَتُّ ذُنُوبِ (مؤمن / 60)

«مرا بخوانید تا برای شما اجابت کنم». و
در همین آیه دعا و خواندن خود را عبادت
شمرده و فرموده:

چَتُّ ذُنُوبِ فَ

(مؤمن / 60)

«هر کس از عبادت من که دعا باشد تکبّر
ورزد به زودی داخل دوزخ گردد با کمال
خواری».

و دستور داده با حضرتش مناجات و عرض حاجات
کنند و حوائج خود را با خود او در میان
گذارند. نه امیری گذاشته و نه حاجب و دربان،
نه وزیری گماشته و نه وکیل و معرفّی. هر که
خواهد گویا و هر چه خواهد گو بخواه. کبر و
ناز و حاجب و دربان درین درگاه نیست. هر کس
در هر جا که خواهد می تواند با جناب او سخن

فصل اول

یکی از حقوق خدا بر بنده این است که او را به همان نحوی که خود او دستور داده بخواند و چنانکه او خواسته او را بندگی کند و از برنامه و قانون او تخلف نکند و به همان اسماء و صفاتی که خدا خود را معرفی کرده او را صدا زند. نه این که به سلیقه ناقص خود اکتفا کند و به نام ها و اسمائی که لایق ذات او نیست او را بخواند و به بهانه ارادت به انبیاء و اولیاء برخلاف قانون الهی عمل کند.

متأسفانه در زمان ما جهالت و غرور و بدعت ها چنان شایع شده که به نام ارادت به مقرّبان خدا و به بهانه رجوع به اخبار و احادیث مجعوله و کتب غیرمعقوله برخلاف دستور قرآن عمل می شود. بلکه رسول خدا μ و ائمه هدی سعی و کوشش داشتند که کسی برخلاف کتاب خدا چیزی نگوید و برخلاف قول خدا خبری را به ایشان نسبت ندهد. ولی چنانکه در زمان حیاتشان اذیت و آزار شدند پس از وفاتشان نیز هر کسی به نام ایشان هر چه خواست به هم بافت و میان مردم منتشر ساختن حسابی در کار و نه میزانی، چه بسیار دعاهای کفرآمیز و شرک انگیز و مخالف توحید مورد توجه ملت شده، نه دانشمندی توجهی دارد و نه کسی خیرخواهی می کند و نه خردمندی خیرخواه برای بیداری مردم سخن می گوید. عده ای از ترس دکانداران ساکت و خاموشند، عده ای برای حفظ دکان و جمع آوری مریدان با عوام هم آواز و دمسازند و اکثر مردم آن قدر گرفتارند که فرصت تأمل و تفکر ندارند. ما چون خود را مکلف و موظف و مسؤول دانستیم و از کسی هم جز خدا توقع پاداشی نداریم، در مقام برآمدیم که حق را آشکار بگوئیم و خیر امت را بنگاریم؛ چ کسی بپذیرد و چه نپذیرد و امیدواریم و انتظار

داریم که مردم هشیار بیدار با ما همکاری کنند و از دکانداران شیاد عوام فریب، نهراسند و چنانکه خدا در سوره زمر آیه 17 فرموده نوشته ما را بخوانند و اگر دیدند حق گفته ایم ما را یاری کنند.

فصل دوم

بهترین دعاها، دعاها قرآن است که حق تعالی از قول انبیاء و دیگران نقل کرده و یا خود دستور داده زیرا قرآن سندی محکم و متواتر است و از دست جعلین و کذابین محفوظ مانده و خود خدا حفظ آن را تضمین کرده؛ در سوره حجر آیه 9 فرموده :

چَکَّکَ بَکَّکَ کَکَّکَ کَکَّکَ کَکَّکَ (حجر / 9)

ولی دعاها دیگر که در کتب دعا ذکر کرده اند، نویسندگان آنها معصوم از خطا نبوده اند یا به واسطه تسامح در ادلة سنن هر دعا و زیارتی را جمع کرده اند و توجه نکرده اند که اکثراً یا سندی ندارد و فلان مقدس و یا فلان عالم به سلیقه خود آنها را به هم بافته و یا اگر سندی دارد راویان آن یا مجهول الحال و یا اهل غلو و یا دارای عقائد باطله بوده اند و عقائد خود را در دعاها و زیارات گنجانیده و منتشر ساخته اند و مردم بی خبر به اعتماد به اینکه فلان مقدس و یا فلان عالم نوشته می خوانند و این روش باعث نشر عقائد فاسده گردیده و در اثر انتشار آنها بسیاری از بدعت ها مورد رغبت شده که دفع آنها بسیار مشکل گردیده . دانشمندان بعدی به سکوت خود گویا تمام آن خرافات و بدعت ها را امضاء کرده اند. باید دانشمندان بیدار برای حفظ حقائق قرآنی و دفع این باطل ها فکری کنند و یا برای رد این اوهام قیامی کنند. بسیاری از علماء اخیار دعاهایی که زاهدی و یا عالمی

نوشته و یا در کتابی درج کرده، به واسطه حسن ظنی که به او داشته اند، خیال کرده اند سندی از شرع دارد، در حالی که ممکن است آن زاهد و یا آن عالم طبق دستور مطلقات دعا، خواسته به فکر خود دعایی زیبا بسازد و م سجّع و م قفّا کند و اظهار ارادتی در پیشگاه خدا و یا بزرگان دین کرده باشد. محدّثین بعدی از حسن ظنی که به او داشته اند، آن را مسند به شرع دانسته اند. چه بسیار دعاهایی که مثلاً حاج شیخ عبّاس قمی از کفعمی و یا ابن طاوس و یا ابوقره و یا از شیخ طوسی و یا ابن عیاش جوهری نقل کرده، گویا اینان را معصوم دانسته و یا به اینان حقّ تشریح داده است. آن مرحوم در مفاتیح در ذیل زیارت وارث بسیار مذمت کرده از کسانی که زیارت و یا دعایی جعل کرده اند و یا در دعاها کلمه ای کم و زیاد کرده اند، در حال یکی از آن مجعولات و یا آن کم و ز یادها موجب کفر و شرک نبوده ولی خود او در مفاتیح دعاها و زیاراتی آورده که کفر محض و شرک خالص می باشد، مانند آن که در زیارت ششم امیرالمؤمنین ؑ ذکر شده :

(السلام علی الأصل القدیم و الفرع الکریم و الثمر الجنی) که همان تثلیث نصاری را درباره امام آورده و مثلاً از حسن مثله جمکرانی که مرد مجهول مهملی است، دعایی آورده که می گوید : **(یا محمّد یا علی یا علی یا محمد اکفیانی فإنکما کافیای و انصرانی فإنکما ناصرای و احفظانی فإنکما حافظای)** ، که مخالف قرآن و موجب شرک است. زیرا قرآن می گوید : **(ألیس الله بکاف عبده)** خدا برای بنده خود کافی است. ولی حسن مثله جمکرانی می گوید : محمد و علی کافی اند. خدا به رسول خود می گوید : **چَدُّدُهُ لَهُ بِه ه چ ما تو را حافظ مردم**

نگردانیدیم. ولی این دعا می گوید محمد و علی هر دو حافظ می باشند. مرحوم قمی از مجعولات عوام می نالد، ولی از مجعولات و شرکیات دانشمندان نمی نالد. چقدر اذن دخول ها برای رفتن به اعیان امام و امامزاده ها تراشیده اند و امام و امامزاده ها را مانند خدا حاضر و ناظر و جوابگو قرار داده اند و تعجب این است که زائر برای دخول اذن می خواهد ولی اذن صادر نشده داخل می شود.

فصل سوم

اگر کسی دعایی از خود جعل کند و یا از دیگری نقل کند که مطابق قرآن و عقل باشد اشکالی ندارد. اما به قصد ورود از شرع نخواند و به دین نبندد و تذکر دهد که این دعا مستند به شرع نیست، مثلاً کسی پس از نماز صبح چهل مرتبه خدا را می خواند و یا عزیز یا عزیز می گوید این کار طبق دستور «**ادعونی أستجب لکم**» عیبی ندارد، ولی این ذکر با این عدد معین چون از شرع نرسیده به شرع اسلام نبندد و باید هر دعا و زیارتی می خواند مواظبت کند با قرآن الهی موافق باشد. زیرا اخبار متواتره در کتاب وسایل (کتاب قضا) و سایر کتب حدیث وارد شده که رسول خدا p و ائمه هدی v فرموده اند:

(ماوافق کتاب الله فخذوه و ماخالف کتاب الله فدعوه) یعنی هر چه موافق کتاب خدا است بگیرید و آنچه مخالف کتاب خدا است رها کنید زیرا رسول خدا و ائمه هیچ کدام سخنی برخلاف قول خدا نمی گویند. پس شخص مسلمان باید اول برود از مطالب قرآن مطلع گردد تا بفهمد کدام دعا و حدیث موافق قرآن و کدام مخالف قرآن است.

متأسفانه ملت ما به کلی از قرآن بی خبرند و لذا دعاها و زیارات ضد قرآنی را تمییز

نمی‌دهند و خود را معذور می‌دانند درحالی که معذور نبوده و مسؤولند.

فصل چهارم

مفاسد دعاها و زیارات مجعوله بسیار است :

1 مخالف با عقل و قرآن که دو حجت پروردگارانند و مخالفت با این دو موجب هلاکت و نکبت و زیان دنیا و آخرت است. پس نفعی که ندارد هیچ بلکه سر تا پا ضرر است. حال اگر کسی بخواهد ایشان را نهی کند، به عذر اینکه ما نمی‌فهمیم و یا فلان عالم چنین نوشته سرپیچی می‌کنند، بلکه علاقه‌ای که به دعاهای مجعوله دارند به کتاب خدا ندارند.

2 جسیاری از اهل بدعت و مذاهب باطله همین دعاها و زیارات را مدرک و سند باطلی‌های خود قرار داده و دکان‌های خود را رواج داده‌اند.

3 در دعا نباید به غیر خدا توجه کرد زیرا دعا عبادت است و خواندن خدا به عنوان مدعو غیبی مانند خواندن معمولی متعارفی دنیوی نیست. زیرا در خواندن معمولی متعارفی هر یکی از مخلوق را می‌توان خواند کسی که پایش درد گرفته می‌تواند بگوید ای زید دست مرا بگیر، کسی که محتاج به دوا می‌باشد، می‌تواند بگوید ای دکتر دوا به من بده، کسی که حاجتی به دیگری دارد می‌تواند بگوید فلانی حاجت مرا انجام بده، کسی که نان می‌خواهد می‌گوید ای شاطر نان بده، در خواندن متعارفی معمولی فقط باید طرف حاضر باشد و صدای او را بشنود. اما دعای شرعی عبارت است از عبادت و آن خواندن مدعو غیبی است که فقط خدا باشد و در این عبادت مانند سایر عبادات نباید به احدی توجه کرد و غیرخدا را شریک نمود، چنانکه خدا در سوره کهف آیه 110 فرموده :

چ م خ خ خ م س ج چ
 عبادت م خصوص ذات یکتای پروردگار است و لذا
 آیات بسیاری در قرآن آمده که غیر خدا را
 مخوانید و خواندن غیر خدا را شرک دانسته، از
 آن جمله در سوره جن آیه 20 فرموده :

چ ژ ژ ژ ک ک ک گ چ (جن / 20)
 «بگو من فقط پروردگارم را می خوانم واحدی
 را شریک او نمی‌کنم و شرک به او نمی‌آورم».
 و در آیه 18 فرموده :

چ چ چ چ چ چ (جن / 18)
 «احدی را با خدا مخوانید».

و در آیات 13 و 14 سوره فاطر فرموده :

چ ذ ذ ذ ژ ژ ژ ک ک گ گ گ گ
 گ گ گ گ گ گ چ (فاطر / 13-14)

«آن کسانی را که غیر خدا می خوانید مالک
 پوست هسته خرمایی نیستند، اگر بخوانیدشان
 نمی‌شوند و اگر بشنوند، اجابت نکنند و روز
 قیامت به شرک شما اعتراض و انکار کنند».
 در این آیه صریحاً کسانی را که غیرخدا را
 می‌خوانند مشرک خوانده و نمی‌توان کلمة الذین و
 ضمیرهای جمع مذکر که مخصوص عقلا است و بر عقلا
 اطلاق می‌شود، حمل بر بت ها کنیم زیرا در لغت
 عرب کلمة الذین و ضمیر جمع مذکر بر بت اطلاق
 نشود؛ به اضافه روز قیامت بتی نیست که اعراض
 و انکار کند که چرا مشرک شدید . پس این آیه
 می‌گوید بزرگان و عقلا را نخوانید و در سوره
 احقاف آیه 5 و 6 فرموده :

چ ئا ئه ئه ئو ئو ئو ئو ئو ئو ئو ئو ئو ئو ئو ئو ئو
 ئی ئی ی ی ا ب ب ب پ پ پ پ پ پ چ

(احقاف / 5-6)
 «و کیست گمراه تر از آنکه غیرخدا را
 می‌خواند. آن را می خواند که اجابت او

«محققا آنان را که غیر از خدا می‌خوانید
 بندگانمانند شمایند»

ما نمی‌دانیم کسانی که امام و یا رسول و یا
 امامزاده را می‌خوانند. جواب این آیات را چه
 می‌دهند؟ آیا این آیات از قرآن نیست؟ آیا
 بزرگان دین گفته اند ما را بخوانید و بر خلاف
 قرآن رفتار کنید؟ آیا با دعاهای مجعوله
 می‌توان قرآن را رد کرد؟ آیا این کسانی که در
 دعاهای شرکیّه غیرخدا را می‌خوانند بر این کار
 خود دلیلی دارند؟ اینان برای خود بهانه ای
 تراشیده اند به نام دلیل که عوام را گول
 بزنند و گاهی می‌گویند چگونه فرزندان یعقوب
 حضرت یعقوب را خواندند و گفتند : **چَ دُثِّفَ ثَقُفُ**
ثَقُفُ قُفُ **چ چ چ** یعنی ای پدر از خدا برای ما
 آمرزش بطلب که ما خطا کردیم، یعقوب گفت به
 زودی طلب مغفرت می‌کنم برای شما [از خداوند].
 در جواب ایشان باید گفت : **اَوْ لَا حَضْرَتِ يَعْقُوبَ**
زنده بود، نه مرده و چون او را آزار کرده
بودند و یوسف او را برده بودند و چهل سال او
را اذیت کرده بودند، وظیفه شان این بود که
بروند از او معذرت جویند و او را وادار کنند
که از خدا بر ایشان طلب مغفرت کند و این
وظیفه هر مسلمانی است که اگر کسی را اذیت
کرده، برود به او التماس کند تا او از خدا
برایش آمرزش بخواهد و این مربوط به این مسأله
نیست زیرا خواندن یعقوب زنده حاضر، خواندن و
درخواست‌کردن متعارفی است که ما می‌گفتیم این
خواندن مدعو غیبی نیست . آیا اگر حضرت یعقوب
از دنیا رفته بود می‌توانستند به او بگویند یا
ابانا است غفرلنا و اگر می‌گفتند یعقوب می‌شنید
و جواب می‌داد؟ البتّه خیر؛ پس قیاس حاضر به
غایب و آنکه را وفات نکرده به کسی که وفات
کرده صحیح نیست. بحث ما این است که امام و یا

سپس نتیجه می‌گیرند هر مسلمانی باید برود نزد رسول خدا در هر کاری که به خدا دارد در هر زمانی. جواب این است که : اولاً طرف سخن در آن آیه با منافقین است که رسول خدا را اذیت کرده بودند و وظیفه ایشان بوده که بروند و عذرخواهی کنند و این مربوط به سایر مسلمین نیست. ثانیاً خدا نفرموده بروید نزد رسول بلکه فرموده اگر منافقین می‌آمدند. پس به آنان که وظیفه داشتند نزد رسول خدا بروند نفرموده بروید چه برسد به دیگران . ثالثاً در آن وقت ممکن بود نزد رسول خدا بروند؛ چون زنده و میان مردم بود . امّا زمان بعد ممکن نیست کسی نزد رسول خدا برود زیرا از دنیا رفته و در عالم باقی است و از عالم فانی و غصّه ها و رنج‌های آن بی‌خبر است. پس قیاس مع الفارق است و امیرالمؤمنین در نهج البلاغه می‌گوید خدا رسول خود را از میان مردم برد. در کلمه 88 از کلمات قصار **(كان في الارض امانان من عذاب الله و قد رفع احدهما)** تا آخر و گاهی می‌گویند اگر کسی بخواهد سلطانی را ملاقات کند باید نزد وزیر و یا مأمور دیگری برود . ما هم هر وقت به خدا کاری داریم باید به مقربین او مراجعه کنیم . جواب این است که چون سلطان همه جا حاضر نیست و از ح ال رعیت خبر ندارد و اگر رعیت نزد او برود ممکن است به او دروغ بگوید و برخلاف واقع عرضی کند و لذا ناچار باید به مأمورین و وزراء مراجعه کند. ولی خدا چنین نیست خود همه جا حاضر و از حال بندگان مطلع و حاجت آنها را می‌داند و خود فرموده : من از رگ گردن به شما نزدیکترم. به اضافه خدا را نباید تشبیه به شاه و یا مخلوقات دیگر نمود و در قرآن فرموده : **چذت تئذ چ و رسول خدا و ائمه فرموده اند :** **(من شبه الخالق بالمخلوق فهو مشرك)** یعنی

کسی که خدا را تشبیه به مخلوق کند مشرک است؛ شما چرا توحید خود را آلوده به شرک می سازی، خدا احتیاج به امیر و وزیر ندارد و خود دستور داده که او را بخوانند. اگر سلطانی به رعیت خود بگوید هر حاجتی داری به خود من مراجعه کن، آیا سزاوار است رعیت اعتنا نکند و بگوید خیر من باید به وزیر مراجعه کنم و یا می گویند ما مقربان درگاه خدا را می خوانیم تا وسیله باشند و خدا در قرآن فرموده :

چے ئے ءے لک لک لک لک و چ

(مائده / 35)

«ای مؤمنین از خدا بترسید و به سوی او وسیله ای بجوئید».

جواب این است که خدا در این آیه فرموده وسیله بجوئید و نفرموده وسیله را در حوائج خود بخوانید. وسیله جستنی است نه خواندنی که نه تنها در تقرب به خدا بلکه تهیّه خوراک و پوشاک و مسکن و در کسب و تجارت و زراعت و غیره، انسان محتاج وسائل است. انبیاء و اوصیاء در دعا و عرض حاجت به خدا وسیله نیستند خدا دور نیست تا محتاج به وساطت ایشان باشد و برای دعا و عرض حاجت، خود انبیاء نفرموده اند ما واسطه و یا وسیله هستیم بلکه فرموده اند خواندن غیر خدا موجب هلاکت و ناامیدی است. چنانکه حضرت سجّاد در دعای ابوحمزه عرض می کند :

(الحمد لله الذی ادعوه و لا ادعو غیره

ولودعوت غیره لخبیب دعایی) ثانیاً آیه : **چ گ گ**
 وچ خطاب به رسول و سایر مؤمنین است. باید دید رسول خدا p و علی v به این آیه چگونه عمل کرده اند؟ آیا چه وسیله ای می جستند. رسول خدا p عرض می کند **(الهی وسیلتی الیک ایمانی بک)** یعنی خدایا وسیله من ایمان من است. و علی v در خطبه 109 نهج البلاغه می فرماید : **(ان افضل ما توسل به المتوسلون الی الله الإیمان به و برسوله و الجهاد**

فی سبيله ...) و در دعای کمیل عرض می‌کند : **(و یتوسل الیک بربوبیتک)** یعنی خدا توسّل من به ربوبیت تو است و در مناجات ماه شعبان عرض می‌کند : **(وجعلت الاقرار بالذنب الیک وسیلتی)** یعنی اقرار به گناه وسیله من است و امام سجّاد در دعای ابوحمزه عرض می‌کند : **(الهی بدعائک توسلی)** پس وسیله ایمان و تقوی و عبادت را می‌توان جست و تهیّه کرد، اما بندگان مقربین را نمی‌توان جست و تهیّه نمود زیرا آنان از دنیا رفته‌اند و جستن آنان مقدور نیست و تکلیف الهی تابع قدرت است. پس بندگان مقرب، مطیع ما و شما نیستند و اصلاً از احوال ما خبر ندارند تا فوری بیایند و برای ما واسطه شوند و بروند.

4 و دیگر از مفاصد دعاهای مجعوله این است که صفات و اسمائی برای خدا ذکر شده که لایق مقام الهی نیست، مثلاً در دعای پنجم رجبیه در مفاتیح به خدا می‌گوید : (لافرق بینک و بینها الا انهم عبادک رقتها وفتقها بیدک) یعنی خدایا فرقی بین تو و والیان امرت نیست جز اینکه آنان بندگان تو اند و پاره کردن و دوختن آنان به دست تو است و ضمیر مؤنث برای والیان آورده و مثلاً در دعای هشتم خسمه عشر به خدا عرض می‌کند : (وصلک منی نفسی) یعنی خدایا وصل به تو آرزوی نفس من است. خدا وصل و فصل ندارد و مثلاً در دعای ندبه به امام می‌گوید : **(یابن الطور و العادیات و یابن یس و الذاریات)!** یعنی ای پسر طور و اسبان دونده و ای پسر یس و بادهای وزنده. یک عده از عالم نمایان این عبارات مهمل را به زور تقدیر و تأویل، تصحیح می‌کنند و حال آنکه این کار صحیحی نیست، زیرا هر کفّری را می‌توان به زور تأویل و تقدیر، حمل به ایمان نمود. به هر حال اکثر دعاهای مجعوله

و زیارات موضوعه با قرآن مخالف است و چون ملت ما را از قرآن دور و بی خبر داشته اند، متوجه این چیزها نیستند. پس بر هر مسلمانی واجب است تا اندازه ای که می تواند با قرآن آشنا شود، زیرا تدبّر در کتاب آسمانی لازم و دوری از آن موجب هلاکت و غرق شدن در خرافات دینی است و یکی از وسایل آشناسدن به آیات قرآن این است که دعاهای قرآن را انسان حفظ کند و در موقع مناجات و دعا و عارضات رض حاجت بخواند.

امیرالمؤمنین فرموده: کسی که قرآن دارد، به چیز دیگری احتیاج ندارد و از هر کتابی بی نیاز است. متأسفانه دیدم یک نفر جاهل دعاهای قرآن را جمع کرده و چاپ کرده و به دست مردم داده تا بخوانند. اما غفلت کرده که دعاهایی که مناسب خواندن هر کس نیست و یا موجب تمسخر شنونده می شود آورده. مثلاً دعایی که زن عمران خوانده: (رب انی نذرت لک ما فی بطنی محرراً فتقبل منی) را آورده، حال اگر مردی این دعا را بخواند که خدایا من نذر کردم که آنچه در شکم می باشد برای تو آزاد کنم از من بپذیر و یا دعاهایی که کفار در دوزخ می خوانند آورده که مردم بخوانند که مناسب نیست. به هر حال کاری که جاهل انجام دهد بهتر از این نمی شود. ولی ما در این اوراق دعاهایی از قرآن آورده ایم که همه کس بتواند بخواند، اول دعاهایی که ابتدا به «ربنا» شده و پس از آن دعاهایی که ابتدا به «ربی» شده و پس از آن دعاها، چند آیه از آیاتی که خواندن آن برای همه کس مفید و لازم است و در هر حال چه در نماز و چه وقت کسب و کار و چه وقت خواب می توان آنها را قرائت کرد. هم ثواب تلاوت قرآن دارد و هم ثواب دعا و ذکر.

- مرا پروردگارا مرا و والدین مرا و مؤمنین
را بیامرز روزی که حساب بر پا می‌شود».
- 19- سورة كهف آية 10 :
چگ گ گ گ گ گ گ گ چ (كهف / 10)
«پروردگارا ما را از نزد خود رحمتی عطا
فرما و امر ما را به هدایت و رشد موفق
بدار».
- 20- سورة مؤمنون آية 109 :
چچ چ چ چ چ چ چ چ (مؤمنون / 109)
«پروردگارا ما ایمان آوردیم پس ما را
بیامرز و رحم نما و تو بهترین
رحم‌کنندگانی».
- 21- سورة فرقان آية 65 :
چ پ ر د ن ا نائ ن ئ ن ئ ن ئ ن ئ ن ئ ن ئ
(فرقان / 65)
«پروردگارا عذاب دوزخ را از ما بگردان
زیرا عذاب دوزخ دائمی است».
- 22- سورة فرقان آية 74 :
چ ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه
«پروردگارا از همسران و فرزندان که نور
چشم باشند به ما عطا فرما و ما را برای
متقین پیشوا قرار ده».
- 23- سورة غافر آیات 7 و 8 و 9 :
چ ژ و و و و و ی ی پ پ ر د ن ا ن ئ ن ا ب
ب
ب
(غافر / 7-9)
«پروردگارا تو به رحمت و دانش هر چیز را
فراگرفته‌ای پس کسانی را که توبه کرده و
پیروی راه تو کردند بیامرز و از عذاب
دوزخ نگاهشان بدار. پروردگارا و ایشان را
به باغ‌های دائمی که به ایشان وعده داده‌ای
وارد ساز و کسانی که شایسته‌اند از پدران
و زنان و فرزندان‌شان را وارد بهشت ساز به

«پروردگارا این شهر را شهر امن بگردان و
اهل آن را از میوه‌جات روزی گردان».

2- سورة آل عمران آية 38 :

چ پ پ پ پ پ پ پ پ پ ن ت ن ت ن ت

(آل عمران / 38)

«پروردگارا مرا از نزد خود فرزندی بخشای
که پاکیزه باشد به راستی که تو شنونده
دعایی».

3- سورة اعراف آية 151 :

چ چ چ چ چ چ چ ی د ی د ت ت ت ت ت ت

(اعراف / 151)

«پروردگارا مرا و برادر مرا بیامرز و ما
را در رحمت خود داخل نما و تویی بهترین
رحم‌کنندگان».

4- سورة هود آية 47 :

چ ق ق ق ق ق ق چ چ چ چ چ چ چ چ چ چ
چ چ

«پروردگارا حقا که من به تو پناه می‌برم
از آنکه از تو بخواهم آنچه را که به آن
علم ندارم و اگر مرا نیامرزی و رحم نکنی
از زیانکاران می‌باشم».

5- سورة ابراهيم آية 35 :

چ ت ت ت ت ت ت ق ق ق ق ق ق چ

(ابراهيم / 35)

«پروردگارا این شهر را امن بگردان و من و
فرزندانم را از بندگی بتان دور بدار».

6- سورة اسراء آية 80 :

چ ژ ژ ک ک ک گ گ گ گ گ چ (اسراء / 80)

«پروردگارا درون بر ، درون بردن نیک و
برون بر، برون بردن نیک و برایم از نزد
خود دلیلی نصرت‌آور مقرر بدار».

7- سورة اسراء آية 24 :

- 19- سورة قصص آية 24 :
چیت د ڈ ڈ ڈ ڈ ژ چ (قصص / 24)
«پروردگارا همانا من به آنچه از خیر
برایم بفرستی محتاجم».
- 20- سورة قصص آية 21 :
چتم قی تی خ ثم چ (قصص / 21)
«پروردگارا مرا از قوم ستمگران نجات ده».
- 21- سورة عنكبوت آية 30 :
چئو ئو ئو ئو ئو ئی چ (عنكبوت / 30)
«پروردگارا مرا بر دفع قوم مفسدین یاری
نما».
- 22- سورة صافات آية 100 :
چئو ئو ئو ئو ئو ئو چ (صافات / 100)
«پروردگارا مرا از شایستگان عطا فرما».
- 23- سورة تحریم آية 11 :
چگڈ و و و و و و چ (تحریم / 11)
«پروردگارا برایم نزد خودت خانه ای در
بهشت بنا کن».
- 24- سورة نوح آية 26 :
چنه نو نو نو ئو ئو ئو ئو چ (نوح / 26)
«پروردگارا در روی زمین احدی از کفار را
مگذار».
- 25- سورة نوح آية 28 :
چخ تم ئی ئی ج ج خ م بی بی تی تی خ تم
تی چ (نوح / 28)
«پروردگارا من و والدینم و هر کس به خانه
من وارد شود در حال ایمان و مؤمنین و
مؤمنات را بیامرز و برای ستمگران جز هلاکت
میفزای».

بعضی از آیاتی که قرائت آن بسیار مفید است :
1- بقره آیات : (آیه الکرسی)

مؤمنین و مؤمنات حفظ کنند و فوائد بسیاری
ببرند و السَّلَام علیکم.

سیّد ابوالفضل ابن الرضا
(علامة برقى)